

متن پرسش

سلام و ارادت: چند پرسش داشتم خدمتتون عرض می‌کنم به امید آگاهی: ۱. در جامعه (غیر دینی منظورم نیست، جامعه دینی) وقتی بحث از مقصود و آرمان زندگی میشه ناخودآگاه اکثر افراد روی اینه که اگر شخصی خیلی ابهت داشته باشد و رفیق داشته باشد و ارتباطات زیادی دارد آدم خوب و زرنک و جا افتاده ای هست؛ تا اینجا که هیچ اما وقتی همین بحث میشه محل مسابقه و آرمان و سنجش بین افراد. حالا با این فضا اگر به همین جامعه ایمانی بگی فلانی که بی کس و کار نه تو اجتماع بالاست نه در انظار مردم اگر به مردم و این جامعه بگیم که امام حسین اینو قبول کرده و نگاه ویژه ای به این داره نسبت به بقیه افراد، جامعه خواهد گفت: چه خوب اما این چه خوبیست که به حال آن فرد غبطه نمی‌خورن. سوال اینه در بین مفاهیم حقیقی و دینی باید دنبال مفهوم خاصی بگردیم و به سمت آن بریم که مورد غبطه دیگران باشیم یا نه در روز موعود جایگاه ها عوض می‌شود (خافضه رافعه)؟ نقطه تطبیقش با حال خودم اینه که ممکنه نماز شب بخونم زیارت عاشورا بخونم و.. اما ناخودآگاه فکر می‌کنم خب که چی نه آدمو در اجتماع عزیز می‌کنه نه رفیقی دارم، در تنهایی که کسی درکم نمی‌کنه بعد فکر می‌کنم مثلاً این همه اعمال و اعتقادات کار می‌کنم فقط برزخ خوب میشه اونم چون نمی‌دونم چطوری هزار تا سوال مطرح میشه که بالاخره لحظه حالم که داره الکی می‌ره چون نه ارتباطات عمیقی پیدا کردم نه رفیقی نه همسری و.. آره درسته که کار خوب می‌کنم ولی این ناخودآگاه که اینطور فکر می‌کنم و ناامید میشم به لحظه حال و زندگیم و افسوس می‌خورم که مثل بقیه کاش کسی بودم دو تا رفیقی و مونس داشتم (دعا بفرمایید و لطفاً توضیح بدید باید چطوری نگاه کنم که اگر دنیا هم پشت کرد بهم من آرام باشم و دنبال این نباشم که کسی باشم که بقیه غبطشو می‌خورن یا اگه تنها بودم لاکی نباشه برام و خودم رو به اجبار قانع نکنم که حالا اینطور شده و دنبال جملات مسکن بگردم... (جوانیم که عاشق برزخ و قیامت و امام حسین و حضرت علی اکبر علیه السلام و بهشت و فضایی هستم که در توصیف آن گفته اند که لایبغون همه حولا، فکر و ذکرم معاد است کسی صحبت از مرگ می‌کنه سراپا گوش می‌شوم و همین مفاهیم منو نگه داشته و کمی طاقتم بیشتر می‌کنه) لطفاً کمک کنید. با تشکر از استاد عزیز □□

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم، حضوری است که انسان در نزد خود دارد. در این حضور است که انسان، جهانی می‌شود در نزد خود. در این حالت، فرق نمی‌کند «زیر دریا خوش بود یا روی آن».

پیشنهاد می‌شود کتاب «آشتی با خدا» را که روی سایت هست، مطالعه فرمایید. موفق باشید